



همایش گنگوهر تیرماه

بخش اول



سال ۱۴۰۳

مبحث عروض - علیرضا احمدی

▪ شناخت انواع هجا

نام هجا	علامت	الگوی هجایی	مثال
کوتاه	U	صامت + مصوت کوتاه	ک - ت - ش - و
بلند	—	صامت + مصوت کوتاه + صامت	شَر - چُن
		صامت + مصوت بلند	تا - بو - سی
کشیده	U _	صامت + مصوت کوتاه + صامت + صامت	سَرَد - پُخت
		صامت + مصوت بلند + صامت (+ صامت)	مار - ریخت

در بیت زیر باتوجه به اختیارات شاعری تعداد هجاهای بلند و کشیده به ترتیب، کدام است؟

« از پای فتادیم چو آمد غم هجران / در درد بمردیم چو از دست دوا رفت » **سراسری ۹۹**

(۱) ده - پنج (۲) ده - شش (۳) یازده - چهار (۴) یازده - پنج

توجه ۱: هجای کشیده در شعر تجزیه می شود به یک هجای بلند و یک هجای کوتاه. (به جز هجای پایان مصراع که یک هجای بلند محسوب می شود.)

توجه ۲: در اوزان همسان دولختی، علاوه بر اینکه هجای پایان مصراع را بلند به حساب می آوریم، هجاهای پایان نیم مصراع نیز از این قاعده تبعیت می کند. منظور از هجای پایان نیم مصراع، آخرین هجای رکن دوم مصراع است.

▪ نکات کلی خط عروضی

۱- حروفی که در نوشتن وجود دارند ولی در خوانش، آن ها را نمی خوانیم، باید به همان شکل خوانشی، آن را تقطیع کنیم:

واژه «خویش» را به شکل «خیش» و واژه «خواهر» را به شکل «.....» تقطیع می کنیم.

۲- حرفی که تشدید دارد، باید دوبار نوشته شود:

«جَبَّار»: جَب بار

۳- «ه» غیر ملفوظ: زمانی که «ه» تلفظ نشود و صرفاً صدای «ـِ» بدهد، آن را به شکل کسره تقطیع می‌کنیم:

خانه، دانه، لانه و... = «خا نِ»، «دا نِ»، «لا نِ»

اما اگر «ه» ملفوظ بوده، آن را به همان شکلی که هست تقطیع می‌کنیم:

به (در معنای «بهتر») = بهِ

۴- کلماتی مثل «بیابان، خیابان، خیال و...» در تلفظ روزمره، در هجای اولشان، مصوّت بلند «ای» دارند؛ اما وقتی بخواهیم آن‌ها را در تقطیع شعر در نظر بگیریم، مصوّت بلند «ای» را به مصوّت کوتاه «ـِ» تبدیل می‌کنیم:

بیابان: بِ یا بان

خیابان: خِ یا بان

خیال: خِ یا ل

تقطیع روبه‌روی همهٔ مصراع‌ها درست است؛ به‌جز:

۱) شیرین به در نمی‌رود از خانه بی رقیب: (شِی رین بِ دَرِنِ می رَو دز خا نِ بی رَقِیب)

۲) خاک پایش بوسه خواهم داد آیم گو ببر: (خاکِ پا یَش بو سی خا هَم دا د آیم گو بِ بَر)

۳) هرج از آن تلخ‌ترم گرتو بگویی شکر است: (هَرَج زان تَل خ ت رَم گَر تُ بِ گو یی شِ ک رَسَت)

۴) بنده‌ام گو تاج خواهی بر سرم نه یا تبر: (بَن دِ اَم گو تا ج خا هی بر سِ رَم نِ یا ت بَر)

کدام گزینه دربارهٔ رباعی زیر، نادرست است؟

«در خرقهٔ توبه آمدم روزی چند / چشمم به دهان واعظ و گوش به پند

ناگاه بدیدم آن سهی سرو بلند / وز یاد برفتم سخن دانشمند»

۱) در یک مرتبه، مصوّت بلند پیش از «ن»، کوتاه به حساب می‌آید.

۲) در این رباعی، «ی» فقط به شکل مصوّت به کار رفته است.

۳) مجموعاً هفت هجای کشیده در ابیات یافت می‌شود.

۴) هر مصراع، دارای چهار رکن است و حذف همزه در ابیات مشهود است.

اوزان شعر فارسی به سه قسم، تقسیم می‌شود.

1. همسان تک پایه‌ای: اوزانی که دو رکن اولشان یکی است. مثل: «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن» یا «مفتعلن مفتعلن مفتعلن فاعلن»
2. همسان دو لختی یا همسان متناوب یا دوری: اوزانی که ۴ رکن دارند و ارکانش یکی در میان، یکی است و بین مصراع یک مکث وجود دارد. مثل: «مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن» یا «فعلات فاعلاتن فعلات فاعلاتن»
3. ناهمسان: وزنی که همسان نباشد، ناهمسان است: مثل: «مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فعلمن» یا «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن»

وزن چند بیت دوری است ؟

سراسری خارج ۹۶

الف) ای هستی از قصر فنا افکنده درویرانه ات / گل کرده از هر موی تو ادبار چینی خانه ات
ب) ز ترانه های ابرام خجل است فطرت اما / چه کند زبان سائل که غرض حیا ندارد
ج) کیست برون تازد از غبار توهم / عرصه شطرنج ما سوار ندارد
د) بی مطلبی نیست تشویش هستی / چون دوش مزدور ممنون ببارم

یک (۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴)

وزن مصراع زیر با کدام مصراع یکسان است ؟

سراسری ۱۴۰۰

« گر خون من ز شیشه بریزد به جام او »

- ۱) کافر فرو بسته ام هیچ گشتیش ندید ۲) هیچ مرغ دلی از حلقه زلف تو نجست
- ۳) ز شرم عارض او لاله بست بر رخ ماه ۴) آگاهیش ز راحت عشاق خسته نیست

لقمه: دو وزن «مفاعِلن فعلاَتِن مفاعِلن فعلاَتِن» و «مفاعِلن فعلاَتِن مفاعِلن فعِلن» خیلی شبیه به هم هستند و به دلیل شباهت زیادشان، در تست ها زیاد مطرح می شوند. اگر با این اوزان در تستی روبه رو شدید، حتماً به رکن آخر آن ها توجه کنید.

وزن کدام بیت، متفاوت است؟

- ۱) تو را که درد نباشد ز درد ما چه تفاوت / تو حال تشنه ندانی که برکناره ی جو یی
- ۲) در آن نفس که بمیرم در آرزو ی تو باشم / بدان امید دهم جان که خاک کو ی تو باشم
- ۳) همای اوج سعادت به دام ما افتد / تو را اگر گذری بر مقام ما افتد
- ۴) ندانمت به حقیقت که در جهان به که مانی / جهان و هر چه او هست، صورتند و تو جانی

لقمه: در حل سوال «کدام ابیات را می توان به دو صورت دسته بندی هجایی کرد؟» به رکن «مفعول» در ابتدای مصراع دقت می کنیم. گزینه های که با دو جای بلند و یک هجای کوتاه (مفعول) آغاز شد قابلیت برش هجایی دوگانه را دارد چرا که اوزانی که این قابلیت را دارند که همگی با رکن «مفعول» آغاز می شود.

مفعول مفاعیل مفاعیل فعل = مستفعل مستفعل مستفعل فع
مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن = مستفعل مستفعل مستفعل مسف
مفعول مفاعِلن فعولن = مستفعل فاعلات فع لن
مفعول مفاعِلن مفاعِلین = مستفعل فاعلات مفعولن
مفعول فاعلات مفاعیل فاعِلن = مستفعلن مفاعل مستفعلن فعل
مفعول مفاعِلین مفعول مفاعِلین = مستفعل مفعولن مستفعل مفعولن
مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن = مستفعلن فعولن مستفعلن فعولن

دوبینگ: دقت داشته باشید که وزن مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن تنها وزنی است که با دو هجای بلند و یک هجای کوتاه آغاز می شود ولی یک دسته بندی هجایی دارد.

- کدام ابیات را می توان به دو صورت دسته بندی هجایی کرد؟ (سراسری ۹۹)
- الف) عشقم آتش زد و آب مژه از سر بگذشت / پی آن گوهر یک دانه به دریا زده ام
 - ب) وقتی نشد که بی دوست بر حال خود نگریم / روزی نشد که در عشق بر کار خود نخندیم
 - ج) ای بت دل پسند من هر سر موت بند من / کاکل تو کمندمن طرّه تابدار هم
 - د) نقد جان بر سر سودای جنون باخته ایم / ایمن از وسوسه عقل زیان کار شدیم
 - ه) از بس عرق شرم نشسته است به رویم / محروم ز نظاره آن روی نکویم
- ۱) الف، ج ۲) الف، ه ۳) ب، د ۴) ب، ه

لقمه: وزن «مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن»، وزن همسان محسوب می شود.

چرا که برش هجایی دوم آن «مستفعل مستفعل مستفعل مستف» است و همواره برش هجایی همسان نسبت به برش هجای ناهمسان در اولویت است.

تست : وزن کدام بیت هم صورت همسان دارد و هم صورت ناهمسان؟

(۱) اعظم قوام دولت و دین آنکه در برش / از بهر خاکبوس نمودی فلک سجود

(۲) در دیر مغان آمد یارم قدحی در دست / مست از می و میخواران از نرگس مستش بین

(۳) دل می رود ز دستم صاحب‌دلان خدارا / دردا که راز پنهان خواهد شد اشکارا

(۴) آن ترک پری چهره که دوش از بره ما رفت / ایا چه خطا دیده که از راه خطا رفت ؟

▪ اختیارات شاعری

زبانی: حذف همزه، بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه، کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند
وزنی: ابدال، قلب، بلند بودن هجای پایان مصراع و آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن

۱. حذف همزه:

امکان حذف همزه: در زبان فارسی هرگاه پیش از همزه آغاز یک هجا، صامتی بیاید، همزه را می توان حذف کرد. برای مثال در ترکیب «پیش از» همزه پیش از آغاز کلمه ی «از» را به سبب وجود یک صامت قبل از آن می توان حذف کرد و به صورت «پیشز» (- -) تلفظ کرد. همانطور که مشاهده می کنید با تلفظ بدون همزه این ترکیب، تقطیع هجایی متفاوتی خواهیم داشت.

نکته: حذف همزه فقط در مواضعی از شعر رخ خواهد داد که بنا به ضرورت شعری، در تقطیع هجایی به اختلافی میان هجاها برخورد کرده باشیم؛ در آن صورت برای یکسانی هجاهای دو مصراع می توان همزه را حذف کرد.

مثال: این شور که در سر است ما را / وقتی برود که سر نباشد

این	شو	ر	ک	در	س	رَس	ت	ما	را
-	-	U	U	-	U	-	U	-	-
وق	تی	ب	ر	ود	ک	سر	ن	با	شد

چون سرآمد دولت شب‌های فصل / بگذرد ایام هجران نیز هم

چُن	سَ	را	مد	دُو	لَ	تَ	شَب	ها	ی	وصل
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
بَگ	دَ	رَد	آی	پَا	مَ	هَج	رَان	نِی	زَ	هَم

در این مثال «سرآمد» (سرآمد) حذف همزه رخ داده، اما در مصرع دوم علی رغم این که «بگذرد ایام» قابلیت حذف همزه را دارد. همزه آغازین کلمه «ایام» حذف نمی شود زیرا در آن صورت این ترکیب به صورت «بگذردی یام» (U U - -) تلفظ می شود. که با مصراع نخست همخوانی نداشت. بنابراین حذف همزه نه در همه جا که فقط هنگام ضرورت در تلفظ رخ خواهد داد. همچنین در هجای هفتم مصراع نخست این بیت یک اختیار زبانی دیگر به نام «تغییر کمیت مصوت ها» رخ داده که توضیح خواهیم داد.

دوبینگ: اگر قبل از الف همزه آغاز هجا، حرف صامتی قرار بگیرد می توان الف همزه را حذف کرد

مثال: : درآن، پیش آمدم دران، پیشامدم
درآن حال پیش آمدم دوستی / کزو مانده بر استخوان پوستی
دَ ران حا / ل پی شا / مَ دم دو / س تی

حذف همزه در کدام بیت بیشتر صورت گرفته است ؟ سراسری خارج ۹۹

- عاقبت سیلابم از سر بگذرد چون دم به دم / رای می گیرم بر آب چشم و دیگر می چکد
- ستی ز آوری کار اهریمن است / ستی ز به پر خاش آبتن است
- دامن گردون پر از خون جگر بینم به صبح / بس که در مهر تو اشک از چشم اختر می چکد
- گویا عزم ندارد که شود روز امشب / یا در آید ز در آن شمع شب افروز امشب

۲. بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه: این اختیار شاعری در چهار جا اتفاق می افتد:

اول: بلند تلفظ کردن مصوت های کوتاه پایان کلمه

نبینی باغبان چون گل بکارد / چه مایه غم خورد تا گل برارد

وزن این بیت، «مفاعیلن مفاعیلن فعولن» است و در هجای سوم مصراع دوم (ای)، ما نیاز به یک هجای بلند داریم؛ اما می بینید که هجای کوتاه آمده است. پس این مصوت کوتاه، باید به شکل بلند تلفظ شود:

چ م ا ی = U - -

دوم: بلند تلفظ کردن کسره ی اضافه

توانا بود هر که دانا بود / ز دانش دل پیر برنا بود
وزن این بیت، «فعولن فعولن فعولن فعل» می باشد. تقطیع بیت را ببینید:
تَ وَا نَا / بُ وُد هِر / کِ دَا نَا / بُ وُد
زِ دَا نَش / دِ لِ پِی / رِ بَر نَا / بُ وُد

همانطور که می بینید، در هجای دوم رکن دوم مصراع دوم (لِ)، ما نیاز به یک هجای بلند داریم؛ در صورتی که هجای کوتاه آمده است؛ بنابراین، این مصوّت کوتاه باید به شکل بلند تلفظ شود.

سوم: بلند تلفظ کردن فتحه در کلمه ی (نه) و بلند تلفظ کردن ضمه در واژه «تو» و «دو» که به ندرت به کار می رود:

نه سبو پیدا در این حالت نه آب / خوش ببین ولله اعلم بالصواب
تو کجایی تا شوم من چاکرت / چارقت دوزم کنم شانه سرت

چهارم: بلند تلفظ کردن ضمه (و)

به صد جان ارزد آن رغبت که جانان / نخواهم گوید و خواهد به صد جان
وزن بیت «مفاعیلن مفاعیلن فعولن» است و هجای «دُ» در مصراع دوم، باید به شکل بلند «دُو» تلفظ شود.

تمامی ابیات به جزگزینه..... فاقد اختیار «بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه» هستند.

- ۱) ساقی بیا که دور فلک شد به کام ما / خورشید را فروغ ده از عکس جام ما
- ۲) نارفته دم ز وعده باز آمدن زند / تا در وصال یاد دهد اضطراب را
- ۳) پیراهن از کتان و دمام ز سادگی / نفرین کند به پرده دری ماهتاب را
- ۴) نازم فروغ باده ز عکس جمال دوست / گویی فشرده اند به جام آفتاب را

۳. کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند (ای)

راستی آموز، بسی جوفروش / هست درین کوی که گندم نماست

وزن بیت، «مفتعلن مفتعلن فاعلن» می باشد و هجای سوم مصراع اول (تی)، یک هجای بلند است در صورتی که باید یک هجای کوتاه باشد. بنابراین، آن مصوت بلند را به شکل مصوّت کوتاه تلفظ می کنیم.

نکته: مصوت بلند «ی» در کلماتی مانند «سیاست»، «بیاور»، «حالی»، «زیاد»، «عامیانه» و از این قبیل که در میان و وسط کلمه ای ساده با پسوند یا پیشوند یا ضمیر متصل باشد، همواره به صورت کوتاه تلفظ می شود و دیگر اختیاری وجود نخواهد داشت.

۴. کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند «او»

در چنان روز مرا آرزویی خواهد بود

وزن مصراع، «فاعلاتن فعلاتن فعلتن فعلن» می باشد، تقطیع مصراع را ببینید:

در چ نان رو / ز م را آ / ر زو یی خا / هد بود

همانطور که می بینید، «زو» یک هجای بلند است و در رکن «فعلاتن»، دومین هجا، باید بلند باشد؛ بنابراین، «زو» را به شکل «زُ» تلفظ می کنیم.

کدام بیت فاقد اختیار «حذف همزه» و دارای «تغییر کمیت مصوت ها» است؟

- ۱) بود که یار نرنجد ز ما به خلق کریم / که از سؤال ملولیم و از جواب خجل
- ۲) شود چو پرده بیگانگی حجاب تو را / به هرچه غیر خدا گردی آشنا ای دل
- ۳) نه دست با تو درآویختن نه پای گریز / نه احتمال فراق و نه اختیار وصول
- ۴) نه گربه ای که روی در جوال و بسته شوی / که شیر پیش تو بر ریگ می زند دنبال

اختیارات وزنی: آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن، بلند بودن هجای پایان مصراع، ابدال، قلب

۱. آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن:

زمانی که وزن واژه اصلی، «فعلاتن» باشد، شاعر می تواند فقط و فقط در رکن اول وزن، به جای «فعلاتن»، از «فاعلاتن» استفاده کند:

فعلاتن فعلاتن فعلاتن

فاعلاتن فعلاتن فعلاتن

تکنیک: اگر اولین هجای بعد از «فاعلاتن»، هجایی کوتاه بود، به احتمال زیاد این اختیار را داریم:

دوست دارم که بیوشی رخ همچون قمر / تا نبیند چو خورشید به هر بام و درت
«ی» و «دُ» در مصراع اول و مصراع دوم هجای کوتاهی هستند که پس از فاعلاتن آمده اند.

نکته ۱: در تکنیک ذکرشده، حتماً توجه داشته باشید که آن هجای کوتاه، مشمول اختیار «بلندتلفظ کردن هجای کوتاه» نباشد.

نکته ۲: علاوه بر اوزانی که وزن واره آن‌ها «فعلاتن» است، یک وزن دیگر نیز وجود دارد که طراحان خیلی به آن علاقه دارند.

این وزن، «فعلاتن مفاعیلن فعّله» است و شاعر می‌تواند به جای «فعلاتن» اول مصراع، «فاعلاتن» بیاورد.

در رکن آغازین همه گزینه‌ها به جز اختیار وزنی به کاررفته است ؟

۱) خیز تا خرقه صوفی به خرابات بریم / شطح و طامات به بازار خرافات بریم

۲) من که باشم که بر آن خاطر عاطر گذرم / لطف‌ها می‌کنی ای خاک درت تاج سرم

۳) من نه آن رندم که ترک شاهد و ساغر کنم / محتسب داند که من این کارها کمتر کنم

۴) ای نسیم سحرآرامگه یار کجاست / منزل آن مه عاشق کش عیار کجاست

۲. بلند بودن هجای پایان مصراع

آخرین هجای هر مصراع در شعر فارسی همواره بلند است اما شاعر می‌تواند به جای آن هجای کشیده یا کوتاه بیاورد. هجای پایانی هر مصراع چه کوتاه، چه بلند، چه کشیده، همواره با علامت هجای بلند (-) نشان داده می‌شود بدون آنکه خللی در وزن شعر پدید آید. هیچ یک از شاعران میان این سه نوع هجا در پایان مصراع تفاوتی قائل نیستند و همه را هجای بلند بحساب می‌آورند. **مثال:**

در ره وصفش جهانی رفته اند / لیک کس نبود بر این تنگ آمده

در	ر	ه	وص	فش	ج	ها	نی	رف	ت	اند
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
لی	ک	کس	نب	ود	ب	رین	تن	گا	م	د
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-

در این بیت، «اند» یک هجای کشیده است و بلند در نظر گرفته می‌شود و هم‌چنین، «د» یک هجای کوتاه است و بلند در نظر گرفته می‌شود.

نکته: هجای پایان نیم مصراع در اوزان دولختی، همانند هجای پایان مصراع همواره بلند تلقی می‌شود.

نیم مصراع چیست؟

در توضیح اوزان دوری گفتیم «درست در وسط هر مصراع در اوزان دوری یک مکئی وجود دارد.» به قبل و بعد این مکث ها یک نیم مصراع می گوییم. برای مثال در بیت زیر که وزنش مفتعلن فاعلن مفتعلن مفاعلن است:

شور شراب عشق تو، آن نفسم رود ز سر / کاین سر پرهوس شود خاک در سرای تو

«شور شراب عشق تو» نیم مصراع اول است «آن نفسم رود ز سر» نیم مصراع دوم است و «کاین سر پرهوس شود» نیم مصراع سوم است و «خاک در سرای تو» نیم مصراع چهارم است. همانطور که می بینید بین این نیم مصراع ها می توانیم مکث و درنگ کنیم.

در همین بیت دقت کنید. در پایان نیم مصراع نخست و در پایان نیم مصراع چهارم هجای کوتاه (تُ) آمده است و بنابر اختیار وزنی بلند بودن هجای پایانی بلند تلقی می شود.

۳. ابدال : شاعر می تواند گاهی به جای دو هجای کوتاه، از یک هجای بلند استفاده کند

(توجه: عکس این صحیح نیست.)

دو نوع ابدال داریم:

ابدال کلاسیک: هرگاه در پایان وزنی که قاعدتاً باید «فعلن» بیاید، «فع لن» آمد، ابدال داریم. یعنی شاعر می توان به جای فعلن، فع لن بیاورد.

مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن

فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن

فعلاتن فعلاتن فعلن

فعلاتن مفاعلن فعلن

اوزانی که قابلیت ابدال کلاسیک را دارند:



مثال: درد عشقی کشیده ام که می پرس ← وزن: فعلاتن مفاعلن فعلن / ابدال ندارد. چون رکن آخرش «فعلن» است و هجای ماقبل آخرش بلند نیست، پس فعلن به فع لن تبدیل نشده است.

نتیجه گیری ← شرایط ابدال کلاسیک: ۱. آخر وزن بیت فع لن باشد. ۲. هجای ماقبل آخر بلند باشد.

مثال: من آن نیام که حلال از حرام نشناسم / شراب با تو حلال است و آب بی تو حرام

۲. ابدال تابلو: هرگاه ۴ هجای بلند به نحوی که در ریت شعر سخته ایجاد کنند، بیاید ابدال تابلو داریم.

مثال اول: ای از رخ شاه جان، صد بیدق را سلطان / بر اسب نشین ای جتن تا غاشیه بگیرم

وزن بیت: «مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن»

ای از رُ / خِ شاهِ جان / صد بی دق / را سل طان

مثال دوم: خوشا هوای گلستان و خواب در بستان / اگر نبودی تشویش بلبل سحر

وزن بیت: مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

در ابتدای وزن واژه «فعلاتن»، دو هجای کوتاه وجود دارد که شاعر به جای آن دو هجای کوتاه، یک هجای بلند «دی» آورده است.

علاوه بر ابدال تابلو در این بیت، ابدال کلاسیک هم در بیت وجود دارد.

نکته مهم درباره ابدال تابلو:

هرکجا که ۴ هجای بلند پشت سر هم قرار گرفتند، با ابدال روبه‌رو نیستیم؛ شرط مهمی که در اینجا وجود دارد، آن است که حتماً وزن دچار ناهنجاری و سخته شود. پس ابدال تابلو دو شرط دارد:

۱- ۴ هجای بلند پشت سر هم، ۲- ناهنجاری وزنی در آن مصراع

بیت زیر را ببینید:

«عقلم بدزد لختی چند اختیار دانش / هوشم ببر زمانی تا کی غم زمانه؟»

بیت فاقد اختیار ابدال تابلو است.

در کدام بیت ابدال دیده نمی‌شود؟

۱) چه نعمتی است تو را تا به شکر آن کوشی / به حیرت اندر از کار چون تو مسکینم

۲) عشق پیرانه سر از من عجب می‌آید؟ / چه جوانی تو که از دست ببردی دل پیر

۳) سینه از آتش دل در غم جانانه بسوخت / آتشی بود در این خانه که کاشانه بسوخت

۴) آمد نوروز هم از بامداد / آمدنش فرخ و فرخنده باد

۴. قلب: شاعر به ضرورت می تواند يك هجاي بلند و يك هجاي کوتاه کنار هم را جابه جا کند مانند:

مفتعلن -UU- تبدیل می شود به مفاعِلن -U-U- یا برعکس

اوزانی که در محدوده کنکور، قابلیت داشتن اختیار قلب دارند:



مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن
مفتعلن مفاعِلن مفتعلن مفاعِلن
مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن
مفتعلن مفتعلن فاعلن

برای مثال اگر وزن یک مصراع «مفتعلن فاعلن مفاعِلن فاعلن» باشد و وزن مصراع بعدی «مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن» قلب داریم.

تکنیک: شعر را به روش عروض چشمی تقطیع کنید و اسلش بزنید. برای مثال در مصراع «کیست که پیغام من به شهر شروان بُرد» وزن یایی کنید و سپس تقطیع چشمی کنید. مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن ← مفتعلن (کی سُ کِ پی) فاعلن (غا مَ مَن) مفتعلن (بِ شَه رِ شِروان) فاعلن (وان بَ رَد) حالا کار راحت تر شد. می بینید که در رکن سوم به جای مفتعلن، مفاعِلن داریم! به قلب سلام کنید! :

مثال دیگر:

سینه خاقانی اگر بشویی از زنگ عنا / پیش خدایگان تو را بیش کند ثناگری

وزن بیت باتوجه به مصراع دوم، «مفتعلن مفاعِلن مفتعلن مفاعِلن» می باشد. تقطیع مصراع اول را ببینید:

سی نِ یِ خا / قا نِ یِ گر / بِ شو یِ یز / زن گِ ع نا
مفتعلن / مفتعلن / مفاعِلن / مفتعلن

وزنی که از بیت به دست آمده را با وزن اصلی تطابق دهید. در این مصراع، ۳ اختیار قلب داریم:

۱- رکن دوم باید «مفاعِلن» باشد در صورتی که «مفتعلن» آمده است.

۲- رکن سوم باید «مفتعلن» باشد در صورتی که «مفاعِلن» آمده است.

۳- رکن چهارم باید «مفاعِلن» باشد در صورتی که «مفتعلن» آمده است.

در کدام گزینه قلب وجود دارد؟

۱) شور شراب عشق تو آن نفسم رود ز سر / کاین سر پر هوس شود خاک در سرای تو

۲) وه که جدا نمی شود نقش تو از خیال من / تا چه شود به عاقبت در طلب تو حال من

۳) کس نگذشت بر دلم تا تو به خاطر من ی / یک نفس از درون من خیمه به در نمی زنی

۴) پس از صبوری کنون منم که از طبع من / قاعده نظم و نثر روان حسان برد

نکته: در کتاب درسی ذکر شده است که اختیار قلب، فقط در اوزان «مفتعلن» و «مفاعِلن» رخ می‌دهد و در کنکور خارج ۱۴۰۱ و اردیبهشت ۱۴۰۳ بر این موضوع تأکید شده بود.

اختیار قلب، در وزن رباعی (مفعول مفاعیل مفاعیل فعل) نمی‌تواند رخ دهد.

اگر رکن «مفاعیل»، تبدیل به «مفاعِلن» شود، با اختیار قلب مواجه هستیم ولی در کنکور آن را قلب تلقی نمی‌کنیم.

«چون عمر به سر رسد چه شیرین و چه تلخ / پیمانه چو پر شود چه بغداد و چه بلخ»

می‌بینید که رکن دوم مصراع اول، به جای آن که «مفاعیل» باشد، «مفاعِلن» است؛ بنابراین، با اختیار وزنی قلب روبه‌رو هستیم /

در کدام بیت سه نوع اختیار وزنی به کار رفته است؟

۱) چه کند بنده حقیر فقیر / که نباشد به امر سلطانش

۲) نیکخواها در آتشم بگذار / وین نصیحت مکن که بگذارش

۳) ای سرو روان رخ بنما و قدمی نه / بر چشم به حسرت نگرانی که مرا هست

۴) سعدیا گر به جان خطاب کند / ترک جان گوی و دل به دست آرش

بیت زیر «فائد» کدام اختیارات شاعری است؟

«دو دولت است که یک بار آرزو دارم / تو در کنار من و شرم از میان رفته»

۱) تغییر کمیت مصوت بلند، آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن ۲) ابدال، تغییر کمیت مصوت کوتاه

۳) حذف همزه، ابدال ۴) تغییر کمیت مصوت کوتاه، بلند بودن هجای پایانی مصراع

وزن شعر نیمایی:

شعر نیمایی دارای وزن عروضی است؛ اما برخی محدودیت‌های شعر کلاسیک و عروض سنتی را ندارد. در شعر کلاسیک تعداد هجاها و چایه‌ها (ارکان) دو مصراع و نیز نوع هجاهای مقابل هم در مصراع، با یکدیگر یکسان است و شاعر تنها می‌تواند از ابزار اختیار شاعری برای تغییرات جزئی در هجاها، چنان که گفته شد، استفاده نماید. در شعر نیمایی نیز ترتیب و نوع هجاهای یکسان است و همین عامل، موجب ایجاد نوعی موسیقی و آوا در این نوع شعر می‌شود؛ منتها شاعر مقید به تساوی تعداد هجاهای در مصراع‌ها (یا بندها) نیست و به همین دلیل مصراع در این نوع شعر ممکن است کوتاه و بلند شود. مثلاً در عروض سنتی هرگاه وزن مصراع نخست «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن» باشد، وزن مصراع دوم نیز لزوماً «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن» خواهد بود. در شعر نیمایی این حالت کمی متفاوت است؛ بدین صورت که مثلاً اگر وزن بند نخست «فاعلاتن فاعلاتن فاعِلن» بود، مصراع دوم می‌تواند بر وزن «فاعلاتن فاعلاتن فاعِلن» باشد. البته دو نکته مهم در این نوع شعر وجود دارد:

مثال :

می تراود مهتاب / فاعلاتن فع لن (-U-- / -- می ت را ود / مه تاب)
می درخشد شب تاب / فاعلاتن فع لن (-U-- / -- می د رخ شد / شب تاب)
نیست یک دم شکند خواب به چشم کس ولیک / فاعلاتن فعلاتن فعلن
(نیست یک دم / شکند / ش ک ند خا / ب ب چشم م / ک س لیک / -UU-U-UU-UU-)
غم این خفته چند / فعلاتن فعلن (UU-UU- / غ م این خف / ت ی چند)
خواب در چشم ترم می شکند / فاعلاتن فعلاتن فعلن
خا ب در چشم / م ت رم می / ش ک ند / -UU-UU-U-)

وزن مقابل کدام شعر نیمایی نادرست آمده است؟

- ۱) زندگی زیباست / گفته و ناگفته، ای بس نکته‌ها کاینجاست: فاعلاتن فع / فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فع
- ۲) پای می‌شوید و می‌اندیشد / کار در شالیزار: فاعلاتن فعلاتن فعلن / فاعلاتن فعلن
- ۳) به نصیحت می‌گفتیم / کار بخرد نه چنین است: فعلاتن فعلن / فاعلاتن فعلاتن
- ۴) لباس لحظه‌ها پاک است / میان آفتاب هشتم دی ماه: مفاعیلن مفاعیلن / مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

نکته: کوتاهی و بلندی مصراع‌های یک شعر، در برخی قالب‌های شعری کهن نیز وجود داشته است؛ مثلاً قالب شعری «مستزاد» نمونه بارز این عدم رعایت کوتاهی و بلندی مصراع‌ها در شعر کلاسیک است:

ای کامگار سلطان، انصاف تو به کیهان	گشته عیان
مسعود شهریاری، خورشید نامداری	اندر جهان
ای اوج چرخ جای، گیتی زروی و رایت	چون بوستان

نام گذاری اوزان:

وزن حاصل از تکرار برخی ارکان که در حیطه کتاب درسی و کنکور سراسری مورد پرسش قرار می‌گیرد این چنین است:

مفاعیلن ← بحر هزج	فاعلاتن ← بحر رمل
مستفعلن ← بحر رجز	فعولن ← بحر متقارب

اما چند نکته در رابطه با بحور عرضی:

الف) کوتاه ترین مصراع در شعر فارسی دو رکن و طولانی ترین آنها ۴ رکن دارد و در مجموع بیت‌های شعر فارسی، ۴، ۶ یا ۸ پایه یا رکن خواهند داشت. مثلاً اگر شعری بر وزن «فاعلاتن» سروده شده و در هر مصراع رکن «فاعلاتن» چهار بار تکرار شده باشد، مجموع ارکان آن، هشت «فاعلاتن» خواهد بود، در آن صورت نام وزن شعر «رمل» خواهد بود. پس اگر تعداد ارکان در هر مصراع سه و در مجموع شش رکن باشد، آن را «مسدس» و اگر تعداد ارکان در هر مصراع دو و در مجموع چهار رکن باشد آن را «مربع» می‌نامیم. گاهی در سوالات فقط یک مصراع آورده می‌شود، در آن صورت نیز نامگذاری وزن شعر با توجه به تعداد پایه‌های آوایی کل بیت صورت می‌گیرد و نه فقط پایه‌های آوایی یک مصراع.

ب) گام آخر در نامگذاری وزن یک بیت، پس از دریافت «وزن واژه» و «تعداد پایه‌های آوایی» آن بیت، توجه به «نوع پایه پایانی بیت» است. اگر رکن پایانی شعر کامل باشد، آن را «سالم» و اگر یک هجا از رکن پایانی حذف شده باشد، آن را «محدوف» یا (مقصور) می‌نامند. مثلاً اگر وزن شعر «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن» باشد «سالم» و اگر «فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» باشد «محدوف» خواهد بود.

در جدول پیش رو تمامی اوزانی که نام بحر آنها ممکن است در حیطه کتاب و کنکور سراسری مورد پرسش قرار گیرد آورده شده است؛ به خاطر سپردن نام اوزان شعری یکی از راههای حل سوالات این مبحث است.

وزن	نام وزن
مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن	رجز مثنی سالم
مستفعلن مستفعلن مستفعلن	رجز مسدس سالم
مستفعلن مستفعلن	رجز مربع سالم
فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن	رمل مثنی سالم
فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	رمل مثنی محدوف
فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن	رمل مسدس سالم
فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	رمل مسدس محدوف
فعولن فعولن فعولن فعولن	مقارب مثنی سالم
فعولن فعولن فعولن فعل	مقارب مثنی محدوف
مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن	هزج مثنی سالم
مفاعیلن مفاعیلن فعولن (مفاعی)	هزج مسدس محدوف

اما حتی بدون نیاز به حفظ کردن نام اوزان، با بررسی همان سه مورد گفته شده نیز می توان نام اوزان را دریافت. به مثال های زیر توجه کنید :

مثال: روزگار است این که گه عزت دهد گه خوار دارد / چرخ بازیگر از این بازیچه ها بسیار دارد.

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

روزگار رس / تسن ک گه عز / زت د هد گه / خا ردا رد

چرخ بازی / گرا زین با / زی چ ها بس / یا ردا رد

وزن بیت از تکرار رکن «فاعلاتن» (رمل) تشکیل شده. هر مصراع چهار رکن دارد و کل بیت در مجموع هشت (مئمن) رکن دارد. از رکن پایانی هجایی حذف نشده است (سالم) پس نام وزن شعر «رمل مئمن سالم» است.

مثال: به نام آنکه جان را فکرت آموخت / چراغ دل به نور جان برافروخت

مفاعیلن مفاعیلن فاعولن

به نام آن / که جان را فک / رتا موخت

چ را غ دل / به نور جان / ب رف روخت

وزن این بیت از تکرار «مفاعیلن» (هزج) تشکیل شده. هر مصراع سه رکن و کل بیت در مجموع شش (مسدس) رکن دارد. از رکن پایانی یک هجا حذف شده و «مفاعیلن» در رکن پایانی به صورت «فاعولن» درآمده است (محذوف). پس نام وزن شعر «هزج مسدس محذوف» است.

مثال: اگر مرد عشقی کم خویش گیر / وگرنه ره عافیت پیش گیر

فاعولن فاعولن فاعولن فعل

اگر مر / د عش قی / ک م خی / ش گیر

وگرن / ره عا / فیت پی / ش گیر

وزن بیت بالا از تکرار رکن «فاعولن» (مقارب) تشکیل شده است. هر مصراع چهار رکن و کل بیت در مجموع دارای هشت (مئمن) رکن است. از رکن پایانی یک هجا حذف شده و «فاعولن» در رکن پایانی به صورت «فعل» درآمده است (محذوف). لذا نام وزن این بیت «مقارب مئمن محذوف» است.

مثال: دریای هستی دم به دم / در چرخ و تاب و پیچ و خم

مستفعلن مستفعلن

دریای هس / تی دم ب دم / در چرخ تا / ب پی چ خم

به ندرت بیتی همانند بیت قبلی دارای دو رکن در هر مصراع و در مجموع چهار رکن در هر بیت است (مربع). هر مصراع نیز دارای دو «مستفعلن» (رجز) کامل و بدون ناقصی است. پس نام وزن این بیت «رجز مربع سالم» است.

نام وزن مقابل کدام مصراع، درست است؟

- ۱) به هجران مرا سهل شد دادن جان: متقارب مثنی محذوف
- ۲) در بزم غیرای بی وفا بهر خدا مگذار یا: رجز مثنی محذوف
- ۳) داشتی در سرکه خونم ریزی از چشم: رمل مسدس سالم
- ۴) ندانم قرص خورشید است یا رو: هزج مسدس سالم

تست بز نیم :

- ۱- درباره رباعی زیر، کدام گزاره‌ها از دیدگاه «عروض و قافیه» نادرست است؟
«آن کس که تو را نقش کند او تنها/ تنها نگذاردت میان سودا
در خانه تصویر تو یعنی دل تو/ بر رویاند دو صد حریف زیبا»
الف) رباعی در وزن ناهمسان مفعول مفاعیل مفاعیل فعل سروده شده است.
ب) قافیه آن بر اساس قاعده ۱ است و حرف روی آن صامت «ا» است.
ج) فاقد حذف همزه و دارای اختیار تغییر کمیت مصوت در هر دو بیت است.
د) مصراع‌های زوج دارای ابدال و مصراع‌های فرد، فاقد این اختیار وزنی‌اند.
۱- الف، ب ۲- ب، د ۳- ج، د ۴- ب، ج

- ۲- کدام گزاره از لحاظ «عروض و قافیه» درباره رباعی زیر درست است؟
آزادی و عشق چون همی نامد راست/ بنده شدم و نهادم از یکسو خواست
زین پس چونان که دارم دوست رواست/ گفتار و خصومت از میانه برخاست
۱- وزن رباعی مستفعل مستفعل مستفعل مستف است.
۲- فاقد اختیار شاعری ابدال است.
۳- حرف اصلی قافیه دو واج دارد و «ت» حرف روی است.
۴- دو مورد حذف همزه و دو تغییر کمیت مصوت مشهود است.

۳- کدام گزاره درباره بیت زیر نادرست است؟

من و غم از این پس که دور از رخ تو/ چه باشد اگر یک شبی پیشم آیی؟

۱- نام وزن عروضی آن «مستقارب مثنی سالم» است.

۲- چهار مرتبه از حذف همزه استفاده شده است.

۳- وزن آن قابل دسته‌بندی هجایی دوگانه نیست.

۴- بیت فاقد هجای کشیده است.

۴- نوع بحر کدام بیت «سالم» است؟

۱- جسم خاکی مانع عمر سبک‌رفتار نیست/ پیش این سیلاب، کی دیوار می‌ماند به جا؟

۲- تا سر زلف پریشان تو در جمع آمد/ هیچ مجموع ندانم که پریشان تو نیست

۳- همچنان عاشق نباشد و ر بود صادق نباشد/ هر که درمان می‌پذیرد یا نصیحت می‌نیوشد

۴- رفتنی داری و سحری می‌کنی/ کاندرا آن عاجز بماند سامری

۵- خط عروضی کدام مصراع درست آمده است؟

۱- نمانده بود مرا طاقِ جدایی او: ن مان د بود م را طاق ت ج دایی او

۲- خواهم که دهم جان به تو میلِ دلم این است: خا هم ک د هم جان پ ت می ل د لم این است

۳- خوش لب و خوش دهن و چابک و شیرین حرکات: خُش ل بو خُش د ه نو چا بُ کو شی رین ح ر کات

۴- حسن هم داد خدا بروی حسن عجبی: حُسن هم داد خ د ا بروی حُسن ع ج بی

۶- در کدام بیت سه نوع اختیار وزنی دیده می‌شود؟

۱- تا بود بار غمت بردل بی‌هوش مرا/ سوز عشقت ننشاند ز جگر جوش مرا

۲- گر نظر صدق را نام‌گنه می‌نهند/ حاصل ما هیچ نیست جز گنه اندوختن

۳- مجنون عشق را دگر امروز حالت است/ کاسلام دین لیلی و دیگر ضلالت است

۴- گر کسی سرو شنیده‌ست که رفته‌ست این است/ یا صنوبر که بناگوش و برش سیمین است

۷- کدام مصراع فاقد ابدال است؟

- ۱- در دلم خون شوق می جوشد
- ۲- ماه از او چشم گرفت است و فلک لرزان است
- ۳- بگیر دامن لطفش که ناگهان بگیریزد
- ۴- کلیم را بشناسد به معرفت هارون

۸- الگوی هجایی زیر با نظم هجاهای هر دو مصراع کدام بیت تطابق دارد؟

U - U - - U U - U - U

- ۱- چرا زکوی خرابات روی برتابم / کز این بهَم، به جهان هیچ رسم و راهی نیست
- ۲- عَنان کشیده رو ای پادشاهِ کشور حُسن / که نیست بر سر راهی که دادخواهی نیست
- ۳- زمانه گر بزند آتشم به خرمن عمر / بگو بسوز که بر من به برگِ کاهی نیست
- ۴- خزینۀ دل حافظ به زلف و خال مده / که کارهای چنین، حَذُّ هر سیاهی نیست

۹- وزن و اژه سروده زیر ... است، در بند ... آن، بیشترین اختیار تغییر کمیت مصوت کوتاه رخ داده است.
«در خیال روزهای روشنم کز دست رفتندم / من به روی آفتابم / می برم در ساحت دریا نظاره / و همه دنیا
خراب و خُرد از باد است / و به ره، نی زن که دائم می نوازد نی، در این دنیای ابراندود / راه خود را دارد اندر
پیش»

- ۱- فاعلاتن - چهارم ۲- فاعلاتن - چهارم ۳- مستفعلن - اول ۴- فاعلاتن - اول

۱۰- به ترتیب، در کدام ابیات بیشترین ابدال و بیشترین قلب مشهود است؟

- الف) کنیزکی چینی است به باغ در نسترن / سپید و نغزو لطیف چو خواهرش یاسمن
- ب) بلبل بر شاخ گل نغمه سراید همی / نغمه اش از لوح دل زنگ زداید همی
- ج) خاکی در احتمال آبی در روشنی / بادی در سرکشی ناری در توسنی
- د) جلیل چون آدمی جمیل چون یوسفی / در صف شهزادگان تو ز هنر سرصفی

- ۱ الف، ج
- ۲ الف، د
- ۳ ج، الف
- ۴ د، ب

۱۱- در همه گزینه‌ها اختیارات شاعری به درستی مشخص شده‌اند، به جز...

۱- سحر دم او شکست رونق گویندگان / چون دم مرغان صبح نیروی شیران غاب
(قلب، بلند بودن هجای پایانی)

۲- همه شب جان من است و غم خوبان تا روز / عاقبت در سر ایشان رود ار، جان این‌ست
(حذف همزه، ابدال)

۳- گرم و سردی دید این دل کز خط رخسار تو / نیمه‌ای در سایه ماند و نیمه‌ای در آفتاب
(آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن، تغییر کمیت مصوت کوتاه)

۴- ساقی نیم‌مست من جام لبالب آر تا / نقل معاشران کنم این دل خام‌سوز را
(کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند، حذف همزه)

۱۲- کدام بیت فاقد حذف همزه و دارای بیشترین اختیار زبانی تغییر کمیت مصوت کوتاه است؟

- ۱- ندارد حاجت مشاطه روی گل‌گذار ما / پر طاووس مستغنی است از نقش و نگار ما
- ۲- زمین از سایه ما گر شود نیلی، عجب نبود / که کوه قاف می‌بازد کمر در زیر بار ما
- ۳- نشستن بر سر راه تحیر عالمی دارد / که هر کس می‌رود از خویش می‌گردد دچار ما
- ۴- به گیتی شد عیان از شیوه عجز اضطرار ما / ز پشت دست ما باشد قماش روی کار ما

۱۳- درباره بیت « دو لب چو دو تا لعل و دو یاقوت شکر بار / دو رخ چو دو گلبرگ و دو خورشید زره‌پوش » نمی‌توان گفت...

- ۱- وزن آن دو دسته‌بندی هجایی دارد.
- ۲- دروزنی سروده شده است که می‌تواند برش همسان و برش ناهمسان داشته باشد.
- ۳- در هر مصراع یک اختیار زبانی مشهود است.
- ۴- دارای اختیار کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند است.

۱۴- کدام ابیات دارای اختیار کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند هستند؟

- الف) تو دارو و درمان دل و دیده ریشی / بیرون زدل و دیده تو را جا نتوان کرد
ب) گر چه باشد یارو غمخوارت بسی / داغ هجرش کرد از آن افکارتر
ج) روز خوش گشت و هوا صافی و گیتی خرم / آب‌ها جاری و می روشن و دل‌ها بی‌غم
د) در همه شهر از دهان تنگ تو / بر من کار ازین دشوارتر
ه) گر نه آن سرو افکند بر شاخ طوبی سایه / هر ورق در شرح بی برگی برآرد دفتری
- ۱- الف، ب ۲- ب، ه ۳- الف، ج ۴- د، ه

۱۵- وزن کدام بیت ناهمسان و دارای دو دسته‌بندی هجایی است؟

- ۱- از وصل صدف گهر گریزان است / بر حسن غریب، خانه زندان است
- ۲- بی‌خودی رفتن است دل‌ها را / هوش واماندن است دل‌ها را
- ۳- عنان به دست فرومایگان مده زنهار / که در مصالح خود خرج می‌کنند تو را
- ۴- اگر چه بی‌صفا گردد زگرد آئینه روشن / یکی صد شد زگرد خط، صدای گل‌عدار ما

۱۶- کدام بیت دارای اختیار آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن و ابدال است؟

- ۱- تا به دام غمش آورد خدا، داد مرا/ هر چه می‌خواستم از بخت، خدا داد مرا
- ۲- من که تا صبح، دعا گوی تو هستم همه شب/ چه شود گر تو به دشنام کنی یاد مرا
- ۳- غم ندارم که به بند تو گرفتار شدم/ غم آن است که ترسم کنی آزاد مرا
- ۴- نتوانم ز خداداد بگیرم دادم/ کاش گیرد ز خداداد خدا داد مرا

۱۷- در کدام مصراع اختیار وزنی بلند بودن هجای پایانی دیده نمی‌شود؟

- ۱- گر چه نه به دریاییم دانه گهریم آخر
- ۲- اشتر جمال عشق است با قد و سرفرازی
- ۳- اندیشه کن از آن‌ها کاندیشه‌ها ت دانند
- ۴- بگذشت شب هجران معشوق پدید آمد

۱۸- توضیح مقابل کدام بیت نادرست آمده است؟

- ۱- ببرید خیاط ازل دو جامه بر اندام ما/ بهر تو گلگون قبا وز بهر من خونین کفن
(مصوت کوتاه در واژه «دو» بلند تلفظ می‌شود.)
- ۲- فصل بهار شد بیا تا به خم آوریم رو/ کز سر شط خم کشیم آب طرب سبو سبو
(تقطیع واژه «بیا» به شکل U - است.)
- ۳- خون مرا چشم جادوی تو نمی‌ریخت/ از پی قتل لب به شیرزد انگشت
(دو اختیار زبانی در بیت مشهود است.)
- ۴- شکست خار کهن آشیان گلزارم/ همی شنیده‌ام از بلبلان بهاری هست
(بیت فاقد حذف همزه است.)

۱۹- بیت زیر فاقد کدام اختیاری شاعری است؟

«هر که را خوابگاه آخر مشتی خاک است / گو چه حاجت که به افلاک کشی ایوان را؟»

۱) آوردن فاعلاتن بهجای فعلاتن - ابدال

۲) بلندبودن هجای پایانی - حذف همزه

۳) ابدال - بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه

۴) حذف همزه - کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند

۲۰- با در نظر گرفتن اختیارات شاعری، تقطیع کدام سروده «غلط» است؟

۱) و نیمه شب‌ها با زورق قدیمی اشراق: UU-U-U- UU-U-U- UU-U-U- UU-U-U-

۲) عطسه آب از هر رخنه سنگ: UU- UU- UU- UU- UU- UU-

۳) رفتم تا وعده گاه کودکی و شن: UU- UU- UU- UU- UU- UU-

۴) مرداب می گشاید چشم تر سپید: UU-U-U- UU-U-U- UU-U-U- UU-U-U-